

بررسی تطبیقی شخصیت‌های تهمینه و آرتمیس

وحید رویانی،* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گلستان - گرگان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۷/۱۵

چکیده

این پژوهش در چارچوب بررسی تطبیقی شخصیت‌های ادبی در قلمرو ادبیات تطبیقی انجام شده است. تهمینه یکی از زنان جسور و فرزانه اساطیر ایران است که در شاهنامه و متون نقالی ویژگی‌های گوناگونی به او نسبت داده‌اند. آرتمیس نیز ایزدبانوی جنگ و شکار اساطیر یونان است که صفات و ویژگی‌هایش به تهمینه بسیار شباهت دارد. نگارنده در این پژوهش براساس اصول مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی این دو شخصیت را مقایسه کرده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد این دو در مواردی چون نام، داشتن برادر توأمان، ارتباط با شکار و جنگل، زیبایی، باکرگی، پیشگامی در عشق، جنگاوری و تیراندازی با کمان به یکدیگر شباهت دارند، اما آرتمیس به‌خاطر ایزدبانو بودن و داشتن ویژگی‌های بغانه و همچنین تفاوت محیط فرهنگی یونان و ایران که باعث شده آرتمیس را زنی بی‌قید و بی‌رحم توصیف کنند که به زندگی خانوادگی پای‌بند نیست با تهمینه تفاوت دارد. بنابراین براساس نظریات استراوس و یونگ می‌توان گفت شباهت‌های این دو شخصیت در اساطیر ایران و یونان، در ساختار مشترک اساطیر دو ملت و ناخودآگاه جمعی مشترک ریشه داشته و در نتیجه ادبیات مشابهی تولید کرده است. البته به‌خاطر تفاوت‌های فرهنگی و ادبیات این دو ملت، در شکل ظاهری و برخی جزئیات با هم تفاوت دارند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، مکتب امریکایی، تهمینه، آرتمیس، شاهنامه.

* E-mail: vahidrooyani@yahoo.com

۱. مقدمه

تعریف ادبیات تطبیقی بسته به نوع رویکرد نظریه‌پردازان و مکاتب مختلف ادبیات تطبیقی متفاوت است. پژوهشگران ادبیات تطبیقی از این شاخه نقد ادبی که به روابط ادبی ملل و زبان‌های مختلف می‌پردازد تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند. به‌عنوان مثال زرین‌کوب (۱۲۵) در این باره می‌نویسد:

ادب تطبیقی در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان. پژوهنده‌ای که به تحقیق در این رشته اشتغال دارد مثل آن است که در سرحد قلمرو زبان قومی به کمین می‌نشیند تا تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی را که از آن سرحد بین آن قوم و اقوام دور و نزدیک دیگر روی می‌دهد تحت نظارت و مراقبت خویش بگیرد و پیداست که حاصل تحقیق او با میزان دقت و مراقبتی که در این تحقیق به کار بندد مناسب خواهد بود. بنابراین شاید بتوان گفت که در ادب تطبیقی آنچه مورد نظر محقق و نقاد هست نفس اثر ادبی نیست، بلکه تحقیق در کیفیت تجلی و انعکاسی است که اثر ادبی قومی در ادب قوم دیگر پیدا می‌کند.

و شورل (۲۵) می‌گوید:

ادبیات تطبیقی هنر روشمندی است، به‌خاطر تحقیق در پیوندهای قیاسی، قرابت، تأثیر مقایسه ادبیات با قلمروهای دیگر بیان و معرفت؛ یا اینکه موضوعات و یا فنون ادبی مابین آنها، با فاصله و یا بدون فاصله نسبت به زمان و مکان، آن هم به شرط اینکه متعلق به چندین زبان و یا به چندین فرهنگ باشند، و یا اینکه حتی جزء یک سنت باشند تا بهتر بتوان به وصف آنها، به درک آنها و به ارزیابی آنها پرداخت.

یوست^۱ (۵۰) ادبیات تطبیقی را یک جهان‌بینی دانسته و گفته است:

ادبیات تطبیقی بیش از یک رشته تحصیلی است. ادبیات تطبیقی نگاهی کلی به ادبیات و دنیای ادب است. ادبیات تطبیقی یک اکولوژی انسانی، یک جهان‌بینی ادبی و بصیرتی جدید در جهان فرهنگی است با شمولیت و جامعیت تمام.

در کل، دو مکتب اصلی و کلی در ادبیات تطبیقی وجود دارد که تعریف‌ها حول محور همین دو مکتب شکل می‌گیرند:

^۱ François Jost

۱.۱ مکتب فرانسوی

از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان آن می‌توان به کسانی چون وان تیئگم^۱، ژان ماری کاره^۲ و فرانسوا گویارد (گی‌یار)^۳ اشاره کرد. از همان سال‌های آغازین، صاحب‌نظران فرانسوی این رشته بر این نکته تأکید داشتند که ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است و وظیفه‌اش بررسی روابط ادبی بین فرهنگ‌های مختلف است، و تطبیق صرفاً وسیله یا روشی است برای رسیدن به هدف که همانا تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملت‌های مختلف است (انوشیروانی ۳۶). مهم‌ترین مبانی این مکتب عبارت‌اند از: ۱. زبان دو ادبیات باید متفاوت باشد. ۲. بین دو ادبیات روابط تاریخی وجود داشته باشد. ۳. بحث تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در میان باشد. از میان نظریه‌پردازان این مکتب فرانسوا گویارد بیش از همه بر بحث تأثیر و تأثر تأکید دارد و تأکید او در تعریفش از ادبیات تطبیقی نمود یافته است:

ادبیات تطبیقی، تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. پژوهشگر ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در سرحد قلمرو زبان ملی به کمین می‌نشیند تا تمام دادوستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی نماید (گویارد ۲۳).

۲.۱ مکتب امریکایی

این مکتب تحت تأثیر انتقادات رنه ولک به مکتب فرانسوی شکل گرفت. رنه ولک به رویکرد تاریخی مکتب فرانسه و بی‌توجهی آن به نقد و اثر اعتراض داشت و می‌گفت در مکتب فرانسوی «به نقد و اثر ادبی پرداخته نمی‌شود بلکه تنها خود را در مسائل بیرونی اثر که به تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و بررسی منابع و شهرت و انتشار مربوط است محصور و محدود کرده‌اند» (ولک و وارن ۴۳). آنچه در این مکتب مهم است، تشابه و همانندی است و همین توجه به تشابه و همانندی باعث شده که ادبیات با هنر و سایر حوزه‌های دانش بشری پیوند بخورد و هنری رماک^۴ یکی از پژوهشگران این مکتب در تعریف ادبیات تطبیقی بگوید:

^۱ Paul van Tieghem
^۲ Jean-Marie Carre
^۳ Marius-François Guyard
^۴ Henry Remak

ادبیات تطبیقی یعنی مطالعه ادبیات در فراسوی مرزهای یک کشور و بررسی رابطه ادبیات با دیگر حوزه‌های معرفت بشری مثل هنرها (نقاشی، پیکرتراشی، معماری، موسیقی)، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی (سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و...)، علوم و ادیان. خلاصه اینکه ادبیات تطبیقی یعنی مقایسه ادبیات یک کشور با ادبیات یک یا چند کشور دیگر و همچنین مقایسه ادبیات با دیگر حوزه‌های معرفت بشری (استالکنت^۱ ۷۸).

هرچند برخی نظریه‌پردازان این مکتب همانند آلدردیج^۲ تحقیق در ادبیات تطبیقی را اساساً از ادبیات ملی جدا نمی‌دانند (انوشیروانی ۱۴) اما بر فراملیتی بودن آن بسیار تأکید دارند. از جمله گی‌ین^۳ معتقد است ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از مطالعات ادبی است که به بررسی روشمند مجموعه‌های فراملیتی می‌پردازد (انوشیروانی ۴۴) و در این باره می‌گوید:

من ترجیح می‌دهم همانند برخی نگویم ادبیات تطبیقی شامل آزمون ادبیات‌های مختلف از منظری بین‌المللی است و هویت آن به‌طور کامل به نشر و رویکرد مشاهده‌گر بستگی ندارد. آنچه اساسی است سهم آشکار در تاریخ یا در ادبیات طبقات و دسته‌های مختلفی است که به‌طور طبیعی نمی‌توان آنها را صرفاً ملی به حساب آورد (گی‌ین ۳).

فرانسوا یوست از دیگر چهره‌های سرشناس این مکتب بین ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان تفاوت قائل شده و می‌گوید:

ادبیات جهان و ادبیات تطبیقی دو مضمون یکسان نیستند. در واقع ادبیات جهان پیش‌نیاز ادبیات تطبیقی است و مواد خام و اطلاعات مورد نیاز پژوهشگر ادبیات تطبیقی را در اختیار او قرار می‌دهد تا آنها را براساس اصول نقادانه و تاریخی تنظیم و مرتب کند. بدین‌سان ادبیات تطبیقی را شاید بتوان به‌عنوان نوعی ادبیات جهانی سازمان‌یافته تعریف کرد... کار پژوهشگر ادبیات تطبیقی فقط این نیست که شاهکارهای ادبی ملل مختلف را در فهرست مطالعات خود قرار دهد و آنها را بخواند و تحلیل کند، بلکه وی رخدادهای مهم ادبی را در ارتباط با هم می‌بیند و تلاش می‌کند جایگاه یک نویسنده را در تاریخ عمومی اندیشه و زیبایی‌شناسی مشخص کند (یوست ۳۸).

¹ Newton P. Stallknecht

² A. Owen Aldridge

آلدردیج معتقد است مطالعه ادبیات تطبیقی اساساً با مطالعه ادبیات ملی متفاوت نیست جز اینکه حیطه موضوع در ادبیات تطبیقی در مقایسه با یک ادبیات منفرد، بسیار وسیع‌تر است (انوشیروانی ۱۴).

³ Claudio Guillén

از دیگر ویژگی‌های این مکتب ارتباط تنگاتنگ آن با تئوری‌های نقد ادبی و نظریه‌های فرهنگی است. چنان‌که سورین کنت^۱، ظهور تئوری‌های نقد ادبی و فرهنگی را یکی از عوامل اصلی دانسته که باعث تحول بنیادی ادبیات تطبیقی از شکل سنتی به شاخه‌های نوین و روشنفکرانه شده است (کنت ۷۰). این مسئله در آثار دیگر نظریه‌پردازان این مکتب نیز به چشم می‌خورد و کسی چون توتوسی^۲ برای تطبیق، چارچوبی ارائه می‌دهد که در آن بر دو جنبه تجربی بودن و سیستماتیک بودن رویکرد به ادبیات و فرهنگ تأکید دارد و پیشینه این رویکرد سیستماتیک را به ساختارگرایی، جامعه‌شناسی ادبیات و فرمالیسم روسی می‌رساند (توتوسی ۲۴) و برنهایمر^۳ (۱۰) از انعکاس پدیده زیبایی‌شناسی و ادبیت در ادبیات تطبیقی سخن می‌گوید.

نکته دیگری که عامل افتراق دو مکتب امریکایی و فرانسوی به حساب می‌آید این است که در مکتب امریکایی برخلاف مکتب فرانسوی به روابط میان ادبیات مختلف برمبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود. بلکه بیشتر به عوامل بسترساز تأثیر یا تشابه توجه می‌شود زیرا نظریه‌پردازان این مکتب اعتقاد دارند:

تأثیر در خلأ اتفاق نمی‌افتد، همچنان که ادبیات در خلأ خلق نمی‌شود. تأثیر کردن و تأثیر پذیرفتن یا تشابهات ادبی اتفاقی نیستند؛ عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی بسترساز تأثرات و تشابهات ادبی هستند. بر این اساس، برای پژوهش روشمند در ادبیات تطبیقی باید به لایه‌های زیرین تأثر و تشابه توجه کرد. به سخن دیگر، مسئله اصلی، چرایی و چگونگی این رویداد است، نه تشریح خود رویداد (انوشیروانی ۳۶-۳۷).

و پژوهشگران این مکتب به سراغ علت شباهت بین موضوعات مختلف رفته و در عین بررسی و ریشه‌یابی علت تشابه، از بررسی تفاوت‌ها نیز غافل نبوده‌اند. به‌عنوان مثال پژوهشگرانی چون کارل گوستاو یونگ^۴ و نورترپ فرای^۵ که در زمینه نقد اساطیری فعالیت می‌کردند از کهن‌الگوها^۶ و اسطوره‌ها و ضمیر ناخودآگاه جمعی^۷ و

^۱ Surin Kenneth

^۲ Steven Totosy de Zepetnek

^۳ Charles Bernheimer

^۴ Carl Gustav Jung

^۵ Northrop Fry

^۶ Archetypes

^۷ Collective Unconscious

رنه ایتامبل^۱ از نامتغیرها به‌مثابه میراث مشترک بشری یاد می‌کنند که می‌تواند این تشابهات را تا حدودی توجیه کند (انوشیروانی ۴۵-۴۶).

۲. فرضیه و پیشینه تحقیق

نویسنده در این مقاله سعی دارد با استفاده از روش مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی، وجوه تشابه و تفاوت تهمینه و آرتemis^۲ را از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی^۳ بررسی کند. این مقاله براساس این فرضیه بنا نهاده شده که به‌خاطر خویشاوندی اقوام هند و اروپایی داشتن ریشه و میراث مشترک، با توجه به اصول مکتب امریکایی شباهت‌های بنیادی بین اسطوره‌های ایران و یونان وجود دارد. بنابراین نویسنده ابتدا با مراجعه به شاهنامه به‌عنوان مهم‌ترین سند اساطیری و حماسی قوم ایرانی به معرفی تهمینه می‌پردازد و چارچوب اصلی شخصیت داستانی او را در شاهنامه مشخص می‌نماید. سپس با کمک متون اساطیری یونان، آرتemis ایزدبانوی جنگل و شکار یونانی را معرفی می‌کند، آنگاه به بررسی وجوه شباهت این دو شخصیت می‌پردازد که در این بخش برای دستیابی به برخی وجوه شخصیتی تهمینه که در شاهنامه فراموش یا کم‌رنگ شده، از متون نقلی و ادبیات عامیانه کمک گرفته می‌شود. در مرحله بعد تفاوت‌های دو شخصیت بررسی می‌شود و نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

درباره تهمینه و شخصیت داستانی و اساطیری او تاکنون تحقیقات گوناگونی انجام شده است که عموماً بحث برون‌همسری و زن‌سالاری را مطرح کرده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها:

روح‌الامینی، محمود. «ساختار اجتماعی ازدواج‌های شاهنامه». *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی*. آگه، ۱۳۷۵.

مزداپور، کتایون. «نشانه‌های زن‌سروری در چند ازدواج داستانی شاهنامه». *داغ گل سرخ*. اساطیر، ۱۳۸۶.

^۱ René Etiemble

^۲ Artemis

^۳ Comparative Mythology

دکتر خالقی مطلق جزئی‌تر به این داستان نگریسته و با توجه به روایات مشابه بسیار زیادی که از داستان رستم و سهراب در بین اقوام مختلف وجود دارد نتیجه گرفته که این داستان، اصلی سکایی دارد و از آنجا وارد ادبیات فارسی شده است و تهمینه یک پری است (خالقی مطلق ۱۳۷۲: ۷۰). دکتر آیدنلو (۷۸۰) نیز همچون دکتر خالقی مطلق تهمینه را دارای سرشتی پریانه و مرتبط با ایزد باروری می‌داند. خانم بهار مختاریان (۱۷۷) در مقاله «تهمینه کیست»، داستان رستم و سهراب را به صورتی علمی و جزئی‌نگر با رویکرد اسطوره‌شناسی تطبیقی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که تهمینه یک زن ایزد بیگانه است که با رستم درمی‌آمیزد.^۱ اما تاکنون کسی به شباهت‌های تهمینه و آرتمیس اشاره نکرده است.

۳. چارچوب نظری

۱.۳ تعریف اسطوره

واژه اسطوره یکی از واژه‌های چالش‌برانگیز است که نظریه‌پردازان و پژوهشگران این حوزه در دو قرن اخیر هریک با توجه به تفکر فلسفی و رویکرد خود، تعریفی از این واژه ارائه کرده و کارکردی برای آن در نظر گرفته‌اند. به همین جهت از آوردن تعاریف گوناگون خودداری کرده و به تعریف لوی استروس^۲ ساختارگرا و یونگ بسنده می‌کنیم که با هدف پژوهش پیش رو هماهنگی دارند.

مکتب ساختارگرایی^۳ برای تحلیل نظام‌های فرهنگی به‌ویژه نظام‌های خانوادگی و اساطیری به کار می‌رود و بر آن است که در میان عوامل متعدد شکل‌دهنده به یک نظام

^۱ برای دیدن نمونه‌های مشابه داستان رستم و سهراب علاوه بر مقاله دکتر خالقی مطلق می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

کمالی، محمود. «بررسی تطبیقی داستان رستم و سهراب با برخی موارد مشابه در اساطیر جهان». پژوهش ادبیات معاصر جهان. ش ۵۵ (زمستان ۱۳۸۸): ۱۱۷-۱۳۰.

Morrison, G. "The Irish Story of Cucullin and Conloch and the Persian Story of Rostam and Sohrab." *Journal of the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society*. xviii (1892): 317-329.

Potter, M. A. *Sohrab and Rustem, The Epic Theme of a Combat Between Father and Son; A Study of Its Genesis and Use in Literature and Popular Tradition*. New Buckram, 1902.

^۲ Levi Strauss

^۳ Structuralism

فرهنگی، رشته‌ای از روابط ساختاری وجود دارد که قادر است سیرت آن نظام را در ورای اشکال ظاهری متفاوت مشخص کند (ایمانی و طاووسی ۱۹). لوی استروس به‌عنوان نظریه‌پرداز این مکتب، اسطوره‌ها را حکایاتی تخیلی می‌داند که سعی دارند در پرتو منطقی خاص تقابلهای دوتایی میان فرهنگ و طبیعت را حل کنند. از سوی دیگر اسطوره را چونان گفتاری در درون نظام نمادین زبان می‌داند که برای فهم معانی آنها باید ساختارهای نهانی و عمیق آنها را معلوم داشت. بدیهی است که این ساختارهای نهانی و عمیق، نمودی از انگاره‌های عام ذهن آدمی است و تحلیل اسطوره، آدمی را قادر به درک انگاره‌های مزبور می‌سازد (ضمیران ۱۳-۱۴). چنان‌که می‌بینیم استروس به‌عنوان یک ساختارگرا معتقد است که اسطوره‌های ملل مختلف، ساختاری یکسان دارند و رشته‌ای پنهانی آنها را به هم متصل کرده است و فقط به‌خاطر تفاوت‌های فرهنگی ملل و اقوام، شکل ظاهری آنها با هم فرق دارد.

یونگ نیز به چنین مضمونی پیرامون اساطیر و آرکی‌تایپ‌ها اعتقاد دارد. او به یک ناخودآگاه جمعی معتقد است که ریشه در تاریخ نوع بشر و تجربه‌های گذشتگان دارد، اما به مرور در پرده‌ای از ابهام فرورفته و فراموش شده و هر از گاهی سرنمون‌های آن در قالب اساطیر و دیگر اشکال ادبی متجلی می‌شود (همان ۱۸) و به‌خاطر همین ریشه مشترک، اساطیر اقوام و ملل مختلف به هم شباهت دارند.

۲.۳ معرفی دو شخصیت

۱.۲.۳ معرفی تهمینه

تهمینه یکی از زنان جسور و فرزانه شاهنامه است که با بی‌باکی عشق خود را به رستم، جهان‌پهلوان شاهنامه اظهار کرد و با اینکه در شاهنامه فقط در ابتدای داستان رستم و سهراب ظاهر شده و سپس اثری از او دیده نمی‌شود، به‌خاطر پیوند با رستم و زادن سهراب، در میان زنان شاهنامه از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است. داستان او این‌گونه است که رستم به قصد شکار به نزدیکی شهر سمندگان در مرز توران می‌رود و پس از شکار گور و خوردن آن، به استراحت می‌پردازد و رخس را رها می‌کند تا مشغول چرا شود. چند تن از سواران سمندگان رخس را گرفته با خود به سمندگان

می‌برند تا از او برای نژاد استفاده کنند. رستم پس از بیداری، اثری از رخس نمی‌یابد و به‌ناچار به سمت سمندگان می‌رود. در آنجا شاه سمندگان به استقبال او آمده و از او می‌خواهد مهمانش باشد و قول می‌دهد اسب را پیدا کند. رستم شب را در آنجا می‌ماند. نیمه‌شب ناگهان در اتاق باز شده و برده‌ای همراه با دختری زیبارو وارد اتاق می‌شوند. رستم از دیدن چنین دختری نیمه‌شب در بالین خود تعجب کرده و درباره‌ی اصل و نسب او و هدفش سؤال می‌کند و رستم زمانی که جمال و کمال تهمینه را می‌بیند و تهمینه از رخس به او خبر می‌دهد حاضر به وصلت با او می‌شود و روز بعد اسبش را می‌گیرد و از سمندگان خارج می‌شود. تهمینه در همین شب از رستم باردار می‌شود و سهراب را به دنیا می‌آورد. پس از رشد سهراب و رفتن او به ایران، در نسخه‌های معتبر شاهنامه دیگر نامی از تهمینه نیست مگر در چند نسخه بدل که ماجرای آگاهی او از مرگ سهراب و سوگواری‌اش را آورده‌اند.

۲.۲.۳ معرفی آرتیمیس

آرتیمیس یکی از بزرگ ایزدبانوان یونان بود که همراه دیگر ایزدان و ایزدبانوان یونانی در المپ^۱، جایگاه خدایان، رفت‌وآمد داشت. او خواهر توأم آپولون و دختر لتو و زئوس بود. او باکره و همیشه جوان ماند و نمونه‌ی یک دختر سرکش و نافرمان بود که فقط به شکار اظهار تمایل می‌کرد (گریمال ۱۱۰). همان‌طور که نیلسن^۲ در کتاب دین عامه یونانیان یادآور شده آرتیمیس ایزدبانوی بزرگی شبیه پریان است و در روایات نیز همیشه پریان همراه اویند. او در کوه‌ها و چمن‌زارهای بلند راه می‌رود و با کیش پرستش درخت، چشمه‌ها و رودها مرتبط است. او بچه‌های مخلوقات را تحت حمایت و پرستاری می‌گرفت (وارنر ۳۱۸).

ریشه نام این الهه مشخص نیست و هیچ نشانه مشخصی درباره شخصیت او به ما نمی‌دهد. محققان درباره ریشه نام او نظرات گوناگونی بیان کرده‌اند، از جمله: درشت اندام، کسی که بیماری‌ها را پزشکی می‌کند و همچنین جزء دوم نام او را با آب مرتبط

^۱ Mount Olympus

^۲ Martin P. Nilsson, *Greek Popular Religion*.

دانسته‌اند (گریوز^۱ ۱۲۰). در مورد منشأ او نیز نظرات گوناگونی وجود دارد. سرکاراتی معتقد است او در آغاز، یکی از الهه‌های غیرآریایی باروری و فراوانی بوده که بسان «بانوی همهٔ ددان» ستایش می‌شد و پس از ورود آریاها به یونان به صورت ماه - ایزد هلنی در انجمن خدایان درآمد (بنونیست ۱۰۴). وارنر (۴۲) او را ملکهٔ آسمان و مادر کیهان در اعصار باستان می‌داند و در مورد مجرد بودن او نیز می‌گوید: «هرچند یونانیان و رومیان متأخر با اطمینان تمام آرتمیس را باکره می‌پنداشتند اما نظر یونانیان متقدم چنین نبود. او مجرد و بیش از هر چیز مستقل بود. اگر مردی را می‌خواست از او بهره‌مند می‌شد اما خود را مقید او نمی‌کرد (همان ۳۵۳). گریوز معتقد است آرتمیس اولیه احتمالاً الههٔ کشاورزی بود که در آرکادیا پرستش می‌شد و سپس الههٔ پاکدامنی و جنگل شد که سمبلش خرس است. او همچنین به‌عنوان الههٔ ماه همراه با ایلینیا بر تولد بچه‌ها نظارت می‌کند (۱۲۰). مایکل جوردن^۲ تأکید می‌کند که او منشئی باستانی دارد و در اصل در آسیای صغیر، الههٔ حیوانات و شکار بوده است اما در آسیای یونانی‌زبان الههٔ مادر شده است. تصاویری که از او به‌جا مانده است او را الهه‌ای آسیایی اغلب با دو بال در بین حیوانات وحشی نشان می‌دهد (۳۰).

محققان آیین‌های او را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: اولی آیین‌هایی که در آن الهه با جنبهٔ جدیدتر و هلنی خود نمایش داده می‌شود، به‌عنوان یک شکارچی محبوب و خواهر آپولو. دیگری شامل آیین‌های آسیای صغیر است که در آن، او شخصیتی بدوی از یک الههٔ طبیعت دارد بدون ارتباط با شکار و آپولو (تامپسون^۳ ۳۰۷). این ایزدبانوی آناتولی همچنین به‌صورت مادری با هیکل درشت و سینه و ران‌هایی بزرگ نشان داده شده است که اطراف او را شیرها و پلنگ‌ها گرفته‌اند و سپس در فرهنگ‌های بعدی بدنی باریک‌تر و باکره یافته و در یونان آرتمیس نام گرفته است (فریلی^۴ ۳). این الهه پس از ورود به یونان به‌عنوان الههٔ بزرگ باروری، صاحب معبد معروف می‌گردد و در اولیس تحت عنوان مادر پرستیده می‌شود (فینکلبری^۵ ۱۶۵). ظاهراً برخی آیین‌های

¹ Robert Graves

² Michal Jordan

³ M.S. Thompson

⁴ John Freely

⁵ Margaret Finkelbery

مرتبط با او همچون اخته کردن آیینی نیز از آناتولی به دنیای یونان و روم راه یافته است (برمر^۱ ۱۱).

در متون یونانی ویژگی‌های گوناگونی به آرتمیس نسبت داده و داستان‌های گوناگونی پیرامون حالات و صفات او آورده‌اند، از جمله هومر در سرود هفتم خود آرتمیس را این‌گونه وصف می‌کند: صاحب تیرهای طلایی، باکره پاکدامن شکارهای پرسروصدا که از تیراندازی و شکار لذت می‌برد (مارفورد و لناردون^۲ ۱۴۳). او در بیشتر داستان‌ها با تیر و کمان و تیراندازی در ارتباط است و همانند برادرش آپولون در جنگ تروا در جبهه تروایی‌ها قرار دارد و تیرهای طاعون و مرگ به سوی دشمنان می‌اندازد (ماتینگلی^۳ ۱۱۴). او ایزدی باکره بوده و دوست نداشته که برهنه دیده شود. زمانی که آکتئون پسر آریستئوس راهش را در جنگل پوشیده از سرو و کاج که متعلق به آرتمیس بود گم کرد و این ایزدبانو را در برکه برهنه دید، آرتمیس به‌خاطر این گناه به گوزن تبدیلش کرد تا سگانش او را بدرند (مارفورد و لناردون ۱۴۹). او همچنین از ارتباط با مردان بیزار بوده است اما با وجود این، مواردی ذکر شده که از ارتباط جنسی با شکارچیان لذت می‌برده است مانند آکتئون و هیپولیت (هانسن^۴ ۱۱۹). همچنین در مورد خلیقات او گفته‌اند او ایزدبانویی است که زود خشمگین می‌شود و پرستندگان سعی می‌کرده‌اند با قربانی کردن و تقدیم هدایا از خشم او جلوگیری کنند. یک نمونه از خشم او زمانی است که آگاممنون هنگام حرکت ناوگان برای بار دوم از شجاعت خود لاف می‌زند و آرتمیس خشمگین شده و با پدید آوردن توفان سهمگین او را در اولیس ننگه می‌دارد (وارنر^۵ ۴۲)، یا آنجا که شاه اونئوس هنگام برداشت خرمن یادش رفت که نخستین محصولش را به آرتمیس تقدیم کند و او به قصد انتقام، گراز نر غول‌آسایی را فرستاد و خرمن و گله و خدمتکارانش را از بین برد (هیلگاس^۵ ۹۲).

¹ Jan Bremmer

² M.P.O. Morford & R. J. Lenardon

³ H. Mattingly

⁴ William Hansen

⁵ CK. Hillegas

۴. شباهت‌های تهمینه و آرتمیس

هنگام مقایسه این دو شخصیت به ویژگی‌های مشابه زیادی برمی‌خوریم. داستان تهمینه در شاهنامه بسیار کوتاه است و جز چند ویژگی خاص از شخصیت تهمینه را مشخص نمی‌کند، ولی در شاهنامه‌های نقلی که تعداد آنها کم نیست، ویژگی‌های دیگری می‌توان دید که تشابه تهمینه را با آرتمیس بیشتر نمایان می‌کند و در اینجا به آنها می‌پردازیم:

۱.۴ نام

نخستین وجه تشابه در نام آنهاست. واژه تهمینه از دو بخش تشکیل شده است: تهم به معنی قوی و پسوند نسبت ینه به معنی نیرومند و قوی (رستگار فسایی ۳۰۰). همچنین او هنگام معرفی خود به رستم چنین می‌گوید:

یکی دخت شاه سمنگان منم بزشک هزبر و پلنگان منم^۱

که دو ویژگی او را نشان می‌دهد: یکی ارتباط او با پزشکی و آگاهی از این حرفه و دیگری ارتباط با جانوران وحشی و مراقبت و درمان آنها را. همچنان که گذشت برای نام آرتمیس معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند که یکی از آنها درشت اندام و قوی است و دیگری کسی که بیماری‌ها را پزشکی می‌کند (گریوز ۱۲۰). همچنین او الهه شکار و حیوانات وحشی است و تمام نقش‌هایی که از او به‌جا مانده او را در کنار شیر و پلنگ نشان می‌دهد. علاوه بر اینها هر ساله مراسمی در سیراکوز سیسیل برگزار می‌شده است که در آن شیر را به افتخار ایزدبانوی شکار، آرتمیس، در پیشاپیش تظاهرات آیینی قرار می‌دادند (وارنر ۵۲۱). هرچند در شاهنامه غیر از همان بیتی که از زبان تهمینه نقل شد ارتباطی بین او و شیر و سایر حیوانات وحشی دیده نمی‌شود، در روایات نقلی داستان‌های گوناگونی نقل شده که ارتباط تهمینه با جنگل، حیوانات وحشی و علی‌الخصوص شیر را نشان می‌دهد. از جمله داستانی درباره جنگ پدر تهمینه با لشکر

^۱ دکتر خالقی مطلق در یادداشت‌های خود بر شاهنامه این بیت را از جمله ابیات تاریک شاهنامه دانسته و حتی در مورد ضبط درست آن نیز با توجه به اختلاف نسخ شاهنامه تردید کرده و ضبط‌های گوناگونی پیشنهاد داده است، ولی در نهایت همین ضبط را در متن آورده است (خالقی مطلق ۱۳۸۷: ۴۹۶).

گرسبوز آمده که تهمینه نیز با سهراب خردسال در آن جنگ شرکت کرده و پس از شکست پدرش، همراه با سهراب به جزیره‌ای می‌گریزد و هشت سال در آنجا با شیر و سایر حیوانات وحشی خو گرفته و زندگی می‌کند (زریری ۵۰؛ انجوی ۱۰۱). حتی شیر او را به جهات مختلف جزیره هدایت می‌کند، برایش آهو شکار می‌کند و می‌آورد و تهمینه بر شیر سوار می‌شود (صداقت‌نژاد ۲۵۱). بنابراین تهمینه می‌تواند همان الهه شکار باشد که با شیر و حیوانات وحشی در ارتباط است و درمانگر دردهای آنهاست.

۲.۴ داشتن برادر توآمان

آرتیمیس برادری توآمان به نام آپولون^۱ دارد که هر دو فرزندان لتو^۲ و زئوس^۳ هستند. آن‌چنان که در روایات مختلف درباره آرتیمیس آمده است او در دلوس به دنیا آمده و به محض تولد، مادر خود را برای به دنیا آوردن برادرش آپولون یاری کرده است (گریمال ۱۱۰). در تمام نسخه‌های شاهنامه شخصیتی به نام ژندرزم وجود دارد که همراه سهراب از توران به ایران می‌آید و شب‌هنگام به‌طور اتفاقی به دست رستم کشته می‌شود. در نسخه‌های معتبر شاهنامه به نسبت برادری او با تهمینه اشاره نشده ولی ماجرای کشته شدنش به دست رستم آمده است؛ اما در برخی نسخه‌ها از جمله ژول مول و نسخه‌های نقالی، او را برادر تهمینه دانسته‌اند:

بدانگه که سهراب آهنگ جنگ نمود و گه رفتن آمدش تنگ

بخواند مادرش نامور ژنده‌رزم که او دیده بد پهلوان را به بزم

بد او پور شاه سمنگان زمین همان خال سهراب با آفرین

(فردوسی، ۶۵/۲)

و حتی در روایات نقالی به دوقلو بودن او با تهمینه هم اشاره شده است و گفته‌اند این دو خواهر و برادر چنان به هم شبیه‌اند که رستم در مجلس عام، آنها را با هم اشتباه می‌گیرد و وزیر سهرم شاه به رستم می‌گوید: «تهمینه جفت توآمان زنده‌رزم، دختری پرهیزگار و پرهیز است و در همه هنرها سرآمد، اما تاکنون هر سلطانی خواهان او شده

^۱ Apollon

^۲ Leto

^۳ Zeus

جواب رد شنیده» (صداقت‌نژاد ۲۲۸). همین دوقلو بودن، تشابه این دو را به آرتمیس و آپولون که دوقلو بودند بیشتر می‌کند.

۳.۴ ارتباط با شکار و جنگل

چنان‌که گذشت آرتمیس در یونان الهه شکار و حیوانات وحشی است و در دره‌ای به نام گارگافی، پوشیده از درختان کاج و سرو اقامت داشته و هر روز درون چشمه‌ای که در این دره جاری بوده حمام می‌کرده است (مارفورد و لناردون ۱۴۹) و گاه به شکارچیان نزدیک شده و با آنها رابطه برقرار می‌کرده. در داستان رستم و سهراب نیز چه در *شاهنامه* و چه در روایات نقالی ماجرای آشنایی رستم و تهمینه به شکارگاه و جنگل و کنار چشمه برمی‌گردد و رستم در این داستان در نقش یک شکارچی ظاهر می‌شود:

ز موید برین گونه برداشت یاد	که یک روز رستم هم از بامداد
غمی بد دلش ساز نخجیر کرد	کمر بست و ترکش پر از تیر کرد
چو نزدیکی مرز توران رسید	بیابان سراسر پر از گور دید
به تیر و کمان و به گرز و کمند	بیفگند بر دشت نخجیر چند

(فردوسی ۱۱۹)

این ماجرا در نسخه‌های نقالی به صورت‌های گوناگون روایت شده ولی در همه آنها دیدار اول رستم و تهمینه در شکارگاه و کنار چشمه آب اتفاق می‌افتد که این موقعیت داستان را به اصل اساطیری خود نزدیک‌تر می‌کند. به‌عنوان مثال در یکی از روایت‌هایی که انجوی آورده تهمینه با کنیزانش در شکارگاه اطراف شهر سمندگان مشغول شکار است و در آنجا رستم را می‌بیند و عاشق او می‌شود و به خیمه خود دعوتش می‌کند (انجوی ۸۱). در روایتی دیگر آن دو یکدیگر را در جنگلی که رستم به قصد شکار به آنجا رفته است می‌بینند (همان ۸۳). در روایت زیریری، رستم در شکارگاه کنار سمندگان به چشمه‌ای می‌رسد که برای شکار و استراحت در کنار آن اقامت می‌کند و تهمینه که با لباس رزم و با نقاب برای شکار به آنجا آمده به‌صورت ناشناس با رستم درگیر

می‌شود که رستم بر او پیروز می‌شود و به هویتش پی می‌برد و تهمینه از رستم قول می‌گیرد که به دربار پدرش شاه سمنگان بیاید (زریری ۲).

۴.۴ زیبایی

آرتمیس الهه‌ای زیباست که در روایات یونانی او را به‌لحاظ زیبایی صورت و تناسب اندام شبیه پریان دانسته‌اند (وارنر، ۳۱۸). در برخی روایات، آپولون، برادر او را تجسم ایزد خورشید دانسته‌اند و آرتمیس را تجسم ایزد ماه (گری و الشمی^۱ ۴۵۵) و او را همانند ماه، زیبا و جذاب توصیف کرده‌اند. در *شاهنامه* نیز تهمینه به‌لحاظ زیبایی و جذابیت، به ماه و خورشید تشبیه شده است:

پس پرده اندر یکی ماهروی چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی
دو ابرو کمان و دو گیسو کمند به بالا به کردار سرو بلند

و به‌لحاظ زیبایی و لطافت همانند الهه و پری‌ای توصیف شده که هیچ عنصر مادی و خاکی در وجود او دخالت ندارد:

روانش خرد بود و تن جان پاک تو گفتی که بهره ندارد ز خاک
از او رستم شیردل خیره ماند بر او بر جهان‌آفرین را بخواند
(فردوسی ۱۲۲)

و خود تهمینه بر بی‌مثل و مانند بودن خود تأکید کرده است:

به گیتی ز خوبان مرا جفت نیست چو من زیر چرخ بلند اندکی است

در روایات نقلی نیز چنین توصیفاتی درباره او آمده است که از یکتایی و بی‌نظیر بودن او حکایت دارد: «پهلوان چون نظر کرد طرفه نازنینی را دید که در زیر چرخ کبود مثل و قرینه نداشت» (هفت لشکر ۱۸۴). یا در روایتی دیگر آمده است: رستم «دختری دید بمانند آفتاب تابان، عاشق شد» (زریری ۲) و «در حُسن، اعجوبه آفاق بود» (همان ۸). روایتی دیگر او را این‌گونه توصیف کرده است: «در اتاق رستم باز می‌شود و دختر

^۱ J. Gary & H. Elshamy

پادشاه با شمع، صورتی مطابق نور خورشید و هیکلی بسیار زیبا و درشت استخوان و جذاب و شیرین وارد اتاق می‌شود» (انجوی ۸۹).

۵.۴ باکرگی و پیشگامی در عشق

آن‌چنان که اسطوره‌پژوهان تأکید کرده‌اند آرتمیس در نظر یونانیان الهه‌ای باکره و پاکدامن بوده است (مارفورد و لناردون ۱۴۳) یا لاقل در دوره‌ای او را باکره و مجرد می‌پنداشته‌اند که از مردان متنفر بوده و به زندگی خانوادگی پای‌بند نبوده است (هانسن ۱۱۹) و می‌خواسته مستقل باشد، اما اگر عاشق مردی می‌شده یا به مردی تمایل می‌یافته با او ارتباط برقرار می‌کرده است (وارنر ۳۵۳). به‌عنوان مثال یکی از کسانی که آرتمیس با او ارتباط داشته هیپولیت است و داستان ارتباط آرتمیس با او به این صورت نقل شده است: هیپولیت جوانی بود که از میان همه خدایان به آرتمیس احترام مخصوصی می‌گذاشت و آفرودیت را تحقیر می‌کرد. پس از ماجرای که بین او و پدرش پیش آمد، غولی دریایی مأمور کشتن او شد و غول، زمانی که او با اسب از کنار دریا می‌گذشت از دریا بیرون آمده و اسب‌ها را رماند و موجب هلاک او شد. با دعای آرتمیس، آسکلپیوس هیپولیت را زنده کرد و آرتمیس او را به معبد خود در آریسید ایتالیا، کنار دریاچه نمی^۱ برد (گریمال ۴۲۷). در مورد تهمینه نیز باید گفت چه در شاهنامه و چه در روایات نقالی و متون ادب عامیانه بر باکرگی و مردگریز بودن تهمینه همچون آرتمیس تأکید شده است. تهمینه هنگام گفت‌وگو با رستم در شاهنامه تأکید می‌کند که تاکنون به کسی عشق نورزیده و با هیچ مردی ارتباط نداشته است و فقط به‌خاطر عشق به رستم و داشتن فرزند از اوست که به رستم چنین پیشنهادی می‌دهد:

کس از پرده بیرون ندیدی مرا نه هرگز کس آوا شنیدی مرا
ترایم کنون گر بخواهی مرا نبیند جز این مرغ و ماهی مرا

(فردوسی ۱۲۲)

^۱ Nemi

در متون عامیانه، تمام این ویژگی‌های آرتمیس در تهمینه دیده می‌شود، از جمله در مورد مردگریز بودن و امتناع او از ازدواج در یک نسخه نقلی آمده است: «دخترِ سهرم سمنگانی از مرد جماعت تنفر داشت و خوی مردان یافته و چون پهلوانان پیوسته در شکار و قتال بود» (صداقت‌نژاد ۲۲۶) و دختری پرهیزگار و پرهیز بود اما هر سلطانی که خواهان او شده جواب رد شنیده بود (همان ۲۲۸) و در مورد ارتباطش با رستم به‌عنوان یک مرد باید گفت در همه روایات ایرانی از جمله شاهنامه، تهمینه همچون آرتمیس از رستم خوشش آمده و برای ارتباط قدم پیش گذاشته و به او اظهار علاقه می‌کند. در یک روایت تهمینه با کنیزانش در شکارگاه اطراف شهر سمنگان مشغول شکار است و در آنجا رستم را می‌بیند و عاشق او می‌شود و به خیمه خود دعوتش می‌کند (انجوی ۸۱). در روایتی دیگر تهمینه که رستم را دیده و عاشق او شده بود شخصاً دستور می‌دهد اسب رستم را بدزدند تا او را به شهر بکشاند (همان ۸۴). در روایتی دیگر تهمینه نیمه‌شب به بالین رستم می‌رود و از او می‌خواهد که تا سحرگاه نزد او بماند، ولی رستم نمی‌پذیرد و از اصرار و سماجت تهمینه ناراحت می‌شود و این کار را به فردا و خواستگاری تهمینه موکول می‌کند (صداقت‌نژاد ۲۲۸). زیریری همین ماجرا را این‌گونه با آب و تاب تعریف کرده است: «تهمینه با آنکه در حسن، اعجوبه آفاق بود، هفت قلم مشاطه جمال نموده، لباس غرق در جواهر در بر، نیمچه تاج مکمل از جواهر بر سر، همچون طاووس مست روانه خوابگاه رستم شد» (زیریری ۸)، اما رستم، تهمینه را سرزنش می‌کند و به او ناسزا می‌گوید ولی تهمینه با وجود شرم زیاد، از شدت عشق و علاقه، تمنای خود را تکرار می‌کند تا اینکه رستم به او قول خواستگاری می‌دهد (همان ۱۱). در روایت سوم انجوی این‌گونه آمده است: بعد از شام، پادشاه از دخترش تهمینه خواست که اتاقی برای مهمان آماده کند و تهمینه که دل به عشق رستم بسته بود و با دیدار قبلی عاشق دلخسته او شده بود از دل و جان قبول کرد و موقع انداختن رختخواب، عشق و علاقه خودش را با رستم در میان گذاشت و گفت که چقدر دوستش دارد و آنقدر وسوسه کرد تا رستم به او دل سپرد و آن شب را در کنار هم گذراندند (انجوی ۸۴). در روایت چهارم پدر تهمینه از رستم می‌خواهد که با تهمینه ازدواج کند (همان ۸۵). در روایت پنجم تهمینه نیمه‌شب به اتاق رستم می‌رود و

تقاضای خود را مطرح می‌کند ولی رستم این کار را برخلاف آیین پهلوانی و رسوم ایرانی دانسته و امتناع می‌کند و در نتیجه اصرار تهمینه، شاه از سروصدای آنها بیدار می‌شود و همان شب قاضی را می‌خواهد و دخترش را به عقد رستم درمی‌آورد (همان ۱۸۹).

۶.۴ جنگاوری و تیراندازی با کمان

آرتمیس برای قوم آمازون که در بسیاری از شهرهای آسیای صغیر ساکن بودند و نخستین پرستندگان او به شمار می‌آمدند ایزد جنگ بود (متینگلی ۱۱۴). او در بیشتر منابع یونانی به‌عنوان ایزدی کماندار و تیرانداز وصف شده است: «آرتمیس کماندار در قلمروش از حیوانات باردار در مقابل شکارچسانی که برای شکار آمده‌اند محافظت می‌کند» (ماناگن^۱ xxii). هومر او را صاحب تیرهای طلایی دانسته، او را ایزدبانویی توصیف می‌کند که از تیراندازی و شکار لذت می‌برد (مارفورد و لناردون ۱۴۳). او در بیشتر داستان‌ها با تیر و کمان و تیراندازی در ارتباط است و در جنگ تروا هم شرکت داشته است (متینگلی ۱۱۴). تهمینه از این جهت هم به آرتمیس شباهت دارد، هرچند این جنبه از شخصیت تهمینه یعنی ارتباط او با تیراندازی و جنگ، در شاهنامه نمودی ندارد ولی در طومارهای نقالی و روایات عامیانه داستان‌های زیادی درباره جنگاوری تهمینه و مهارتش در تیراندازی ذکر شده است که ارتباط او را با آرتمیس نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در روایت زریری، رستم در شکارگاه نزدیک سمنگان با تهمینه که لباس شکار پوشیده و نقاب دارد روبرو می‌شود و تهمینه با شمشیر به رستم حمله می‌کند (زریری ۲)، یا در همین طومار پس از تولد سهراب، رستم با او بدرفتاری کرده و سمنگان را ترک می‌کند که تهمینه لباس رزم می‌پوشد و ناشناس به دنبالش می‌رود و به سوی او تیراندازی می‌کند (همان ۵۰). این داستان در کتاب مردم و فردوسی نیز آمده، با این تفاوت که رستم پس از دیدن بی‌مهری از جانب سهراب به تهمینه تهمت خیانت می‌زند و تهمینه به قصد کشتن به سوی او تیراندازی می‌کند ولی رستم با چابکی و

^۱ Patricia Monaghan

زیرکی خود را نجات می‌دهد (انجوی ۹۹). در داستان دیگری که حکایت از جنگاوری تهمینه دارد، سهرم شاه، پدر تهمینه، رستم را برای آزادسازی آب به سوی حاکم بدذات خجند می‌فرستد و او با نیرنگ رستم را اسیر می‌کند که تهمینه با دلاوری و زیرکی او را نجات می‌دهد (همان ۱۰۵؛ زیری ۲۱). همچنین در داستانی دیگر زمانی که تهمینه همراه فرزند خردسالش به طرف بلخ می‌رود در راه با راهزنی به نام امیر طغرل روبرو می‌شود که در نبرد تن‌به‌تن او را شکست می‌دهد (انجوی ۱۰۱).

۵. تفاوت‌های دو شخصیت

هرچند این دو شخصیت در بسیاری از ویژگی‌ها با هم تشابه دارند اما تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود دارد که به آنها می‌پردازیم:

۱.۵ سرشت ایزدانه

آرتمیس در متون اساطیری یونان یک ایزدبانوست و از او همیشه با ویژگی‌های بغانه یاد می‌شود، ولی از تهمینه لاقلاً در متونی که برای ما به‌جا مانده است همچون شاهنامه و آثار نقالی و ادبیات عامیانه، به‌عنوان یک شاهزاده و بانوی معمولی یاد شده است. هرچند نشانه‌هایی در این متون وجود دارد که در دوره‌های پیشین، او نیز یک ایزدبانو بوده ولی به‌خاطر تحولات فکری و اجتماعی جامعه، سرشت او دگرگون شده است.

۲.۵ ازدواج

در روایات گوناگونی که از اسطوره آرتمیس در ادبیات یونان به‌جا مانده هیچ‌جا از ازدواج او سخنی به میان نیامده است و این نشان می‌دهد که او اهل ازدواج نیست و به زندگی خانوادگی پای‌بندی ندارد، ولی در همه روایاتی که از اسطوره تهمینه به‌جا مانده است او به قصد ازدواج و به دست آوردن فرزندی از نژاد رستم به سراغ او می‌رود.

۳.۵ قساوت

هرچند تهمینه بانویی دلاور، جنگجو و تیرانداز است، در هیچ‌یک از منابع اشاره نشده که او سنگدل و بی‌رحم باشد، ولی در مورد آرتمیس چنین نیست و در داستان‌های گوناگونی که از او نقل شده اعمال خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه زیادی همچون کشتن و مسخ کردن افراد به خاطر خطاهای کوچک به او نسبت داده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی یکی از مکاتب مهم ادبیات تطبیقی است که تحت تأثیر انتقادات رنه ولک به مکتب فرانسوی شکل گرفت. رنه ولک به رویکرد تاریخی مکتب فرانسه و محصور شدن آن به مسائل بیرونی اثر، همچون تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و بی‌توجهی به نقد و زیبایی‌شناسی اثر اعتراض داشت. بنابراین آنچه در مکتب امریکایی مهم است تشابه و همانندی است و همین توجه به تشابه و همانندی باعث شده که ادبیات با هنر و سایر حوزه‌های دانش بشری پیوند بخورد و پژوهشگران این مکتب به سراغ عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی بسترساز تأثرات و تشابهات ادبی در فراسوی مرزهای یک کشور بروند و رابطه ادبیات با دیگر حوزه‌های معرفت بشری مثل هنرها (نقاشی، پیکرتراشی، معماری، موسیقی)، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی، سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و ... را بررسی کنند. نگارنده در این پژوهش براساس اصول مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی و با رویکرد اسطوره‌شناسی تطبیقی، دو شخصیت تهمینه از اساطیر ایرانی و آرتمیس ایزدبانوی جنگ و شکار از اساطیر یونان را مقایسه و بررسی کرد که نتیجه پژوهش نشان می‌دهد این دو شخصیت در موارد زیر به هم شباهت دارند:

۱. نام هر دو با قدرت و پزشکی و حیوانات ارتباط دارد.
۲. هر دو برادری توأمان دارند. برادر آرتمیس آپولون است و تهمینه برادری به نام ژنده‌رزم دارد که هرچند در شاهنامه از این نسبت یاد نشده ولی در متون نقالی به توأمان بودن او با تهمینه اشاره شده است.

۳. هر دو شخصیت، با شکار و جنگل ارتباط دارند و بیشتر حوادثی که برای آنها اتفاق می‌افتد در جنگل و کنار چشمه آب و شکارگاه است.
۴. هر دو به لحاظ زیبایی بی‌همتا بوده و به ماه تشبیه شده‌اند.
۵. هر دو شخصیت باکره بوده و به مردان توجهی نداشته‌اند تا زمانی که خود عاشق مردی شده و در عشق، پیشگام می‌شده‌اند.
۶. هر دو شخصیت در رزم بسیار دلاور بوده و خصوصاً در تیراندازی با کمان مهارت داشته‌اند.

تهمینه و آرتمیس در موارد زیر با هم تفاوت دارند:

۱. آرتمیس در متون اساطیری یونان همیشه یک ایزدبانو با ویژگی‌های بغانه است ولی تهمینه لااقل در متونی که برای ما به‌جا مانده است یک شاهزاده و بانوی معمولی است.
۲. در روایات یونانی به ازدواج آرتمیس اشاره نشده و این نشان می‌دهد او به زندگی خانوادگی پای‌بندی ندارد، ولی در همه روایاتی که از اسطوره تهمینه به‌جا مانده است او به قصد ازدواج و به دست آوردن فرزندی از نژاد رستم به سراغ او می‌رود.
۳. در داستان‌های یونانی اعمال خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه زیادی همچون کشتن و مسخ کردن افراد به آرتمیس نسبت داده‌اند ولی در مورد تهمینه چنین نیست.
- بنابراین براساس نظریات استراوس و یونگ می‌توان گفت شباهت‌های این دو شخصیت در اساطیر ایران و یونان، ریشه در ساختار مشترک اساطیر دو ملت و ناخودآگاه جمعی مشترک دارد و فقط به خاطر تفاوت‌های فرهنگی دو ملت، اساطیر در شکل ظاهری و برخی جزئیات با هم تفاوت دارند. شباهت‌ها و تفاوت‌های بین آثار ادبی این دو فرهنگ نیز ریشه در همین اساطیر مشابه دارد.

منابع

- آیدنلو، سجاد. دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی). تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- افشاری، مهران و مداینی، مهدی. هفت لشکر (طومار جامع تقالان). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- امیدسالار، محمود. «رستم و سهراب و زیربنای منطقی حکایت». جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱: ۷۸-۱۰۵.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. فردوسی‌نامه. ۳ جلد، چ دوم. تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- انوشیروانی، علی‌رضا. «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». ادبیات تطبیقی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱/۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۶-۳۸.
- _____ . «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». ادبیات تطبیقی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۲/۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۹): ۳۲-۵۵.
- ایمانی، الهه و طاووسی، محمود. «بررسی تطبیقی بین اژدهاکشان ایران و هند در اسطوره‌ها». مطالعات تطبیقی هنر. ۲/۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰): ۱۷-۲۸.
- بنونیست، امیل. دین ایرانی بر پایه متنهای معتبر یونانی. ترجمه بهمن سرکاراتی. چ دوم. تهران: قطره، ۱۳۸۳.
- خالقی مطلق، جلال. «یکی داستان است پر آب چشم». گل رنجهای کهن. به کوشش علی دهباشی. تهران: مرکز، ۱۳۷۲: ۵۳-۹۸.
- _____ . یادداشت‌های شاهنامه. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- خدایار، ابراهیم و امامی، صابر. «آخرین تیر: بررسی تطبیقی اسطوره آرش و فیلوکتس». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. ۱/۳ (پاییز ۱۳۸۹): ۶۱-۸۶.
- رستگار فسایی، منصور. اژدها در اساطیر ایران. تهران: توس، ۱۳۷۹.
- _____ . فرهنگ نام‌های شاهنامه. چ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- زریری، مرشد عباس. داستان رستم و سهراب. به کوشش جلیل دوستخواه. تهران: توس، ۱۳۶۹.

زرین کوب، عبدالحسین. *نقد ادبی*. چ ششم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
شورل، ایو. *ادبیات تطبیقی*. ترجمه طهورث ساجدی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
ضیمران، محمد. *گذار از جهان اسطوره به فلسفه*. چ سوم. تهران: هرمس، ۱۳۸۹.
فردوسی، ابوالقاسم. *شاهنامه*. به کوشش ژول مول. چ پنجم. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۶.

_____ . *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶.

کمالی، محمود. «بررسی تطبیقی داستان رستم و سهراب با برخی موارد مشابه در اساطیر جهان». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. ش ۵۵ (زمستان ۱۳۸۸): ۱۱۷-۱۳۰.
گریمال، پیر. *فرهنگ اساطیر یونان و رم*. ترجمه عباس بهمنش. چ چهارم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

گرینباوم، ا. س. «اسطوره اژدهاکشی در هند و ایران». ترجمه فضل الله پاکزاد. *نامه فرهنگ*. ش ۷ (۱۳۷۱): ۹۰-۹۳.

گویارد، ام. اف. *ادبیات تطبیقی*. ترجمه علی اکبر خان محمدی. تهران: پاژنگ، ۱۳۷۴.
مختاریان، بهار. «تهمینه (تهمینه) کیست». *نامه فرهنگستان*. ش ۳۵ (۱۳۸۶): ۱۵۰-۱۷۹.
مزداپور، کنایون. «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی شاهنامه». *داغ گل سرخ*. چ دوم. تهران: اساطیر، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۲۰۸.

وارنر، رکس. *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره، ۱۳۸۶.
ولک، رنه و وارن، آستین. *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

یوست، فرانسوا. «فلسفه و نظریه‌ای جدید در ادبیات». ترجمه علیرضا انوشیروانی. *ادبیات تطبیقی: دانشگاه جیرفت*. ۸/۲: ۳۷-۵۶.

Bernheimer, Charles. *Comparative Literature in the Age of Multiculturalism*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1995.

Bremmer, Jan. *Interpretations of Greek Mythology*. Rutledge Publications, 1990.

Finkelberg, Margaret. *Greeks and pre Greeks*. New York: Cambridge University Press, 2005.

Freely, John. *Children of Achilles*. New York: Ib Tauris Press, 2010.

- Gary, J., Elshamy, H. *Archetypes and Motifs in Folklore and Literature*. New York: M. E. Sharpe, 2005.
- Graves, Robert. *New Larousse Encyclopedia of Mythology*. New York: Crescent Books, 1987.
- Guillen, Claudio. *The Challenge of Comparative Literature*. Translated by Cola Franzen, Cambridge: Harvard university Press, 1993.
- Hansen, William. *Handbook of Classical Mythology*. Santa Barbara: Abs Clio, 2004.
- Hillegas, CK. *Mythology, and Lincoln: Cliffs Notes*, 1973.
- Jordan, Michal. *Dictionary of Gods and Goddess*. New York: Library of Congress Publications, 2004.
- Just, François. *Introduction to Comparative Literature*. New York: Bobs-Merrill, 1974.
- Kenneth, Surin. "Comparative Literature in America: Attempt at a Genealogy." *A Companion to Comparative Literature*. Edited by Ali Behdad and Dominic Thomas. A John Wiley & Sons Ltd. Publication, 2011.
- Mattingly, H. "Artemes of Troy." *Greece and Rome*. Cambridge Journals. 7 (1960): 114-116.
- Monaghan, Patricia. *Encyclopedia of Goddesses and Heroines*. Santa Barbara: Greenwood Press, 2010.
- Morford, M.P.O, Lenardon, R. J. *Classical Myth*. New York: Longman, 1985.
- Morrison, G. "The Irish Story of Cucullin and Conloch and the Persian Story of Rostam and Sohrab." *Journal of the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society*. Xviii (1892): 317- 329.
- Nikitine, Basil. "The Dragon Fights in the National Persian epics." *Jostarha*. Tehran, 1381: 33- 63.
- Potter, M. A. *Sohrab and Rustem: The Epic Theme of a Combat Between Father and Son. A study of Its Genesis and Use in Literature and Popular Tradition*. New Buckram, 1902.
- Stallknecht, Newton P. "Comparative Literature: Method and Perspective." *Comparative Literature Studies*. 1/1 (1964): 78-83.
- Tate, Karen. *Sacred Places of Goddess*. Sanfrancisco: Consortium of Collective Consciousness, 2006.
- Thompson, M.S. "The Asiatic or Winged Artemis." *The Journal of Hellenistic Studies*. V. 29 (1909): 286- 307.
- Totosy de Zepetnek, Steven. *Comparative Literature, Theory, Method, Application*, Rodopi B.V. Amsterdam, Atlanta: G A, 1998.
- Witzel, E.J.M. *The Origins of the World's Mythologies*. New York: Oxford University Press, 2012.